

## مهرهای اشکانی: نگرشی بر سبک هنری و کارکرد

یعقوب محمدی فر

دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشکده هنر و معماری دانشگاه بوعلی سینای همدان

یداله حیدری باباکمال<sup>۱</sup>

دانشجوی دکتری گروه باستان‌شناسی دانشکده هنر و معماری دانشگاه بوعلی سینای همدان

مریم دولتی

دانش آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران

(از ص ۹۳ تا ص ۱۱۲)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۱۲/۲۴؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۲/۱۲/۱۶

### چکیده

مهرها می‌توانند به شناسایی جنبه‌های تاریکی از یک دوره فرهنگی کمک کنند. مهرها و گل‌مهرهای اشکانی علاوه بر نقش مهمی که در رابطه با تجارت جامعه داشته‌اند، برای شناسایی هنر و فرهنگ این دوره نیز مهم می‌باشند. صرفاً در محدودی از محوطه‌های این دوران که گزارش آنها منتشر شده یا بر اساس آثار اندک آنها در مجموعه‌ها و موزه‌ها، معرفی مختصری از مهرهای این دوره به عمل آمده است. بنابراین هدف از پژوهش حاضر معرفی مهرها و گل‌مهرهای اشکانی، نقوش حک شده بر آنها، و پی بردن به نقش کارکردی آنهاست. اغلب تفکیک مهرها و اثر مهرهای دوره‌های سلوکی و اشکانی از هم مشکل می‌باشد. طرح مهرهای اشکانی از سنت هخامنشی، یونان، سبک حیوانات آسیای مرکزی و سبک‌های محلی ملهم است. موتیف‌های رایج مهرها، نیم‌تنه انسان، موجودات افسانه‌ای بالدار، انسان تمام‌قد، انسان سوارکار و گوزن است که مرتبط با نظام اداری و تجارت و حمل‌ونقل کالا و امور مذهبی‌اند.

**واژه‌های کلیدی:** باستان‌شناسی، مهر، گل‌مهر، اشکانی، سیستم اداری.

### مقدمه

از جمله آثار مهمی که در شناسایی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها از جنبه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، هنری، فرهنگی و تجاری، حائز اهمیت‌اند و می‌توانند رهگشای محققین و باستان‌شناسان جهت شناسایی بسیاری از نکات مبهم و لاینحل دنیای باستان باشند، مهرهای مسطح و استوانه‌ای‌اند. با توجه به اینکه اطلاعات موجود در دوره اشکانیان نسبت به دوره‌های قبل و بعد از خود کمتر است، مطالعه بر روی حکاکی‌ها و مهرها می‌تواند در شناسایی جنبه‌های مبهمی از فرهنگ این دوره مؤثر واقع شود. پژوهش حاضر نخستین تلاشی جهت شناخت مهرهای دوره اشکانی است. مهم‌ترین سؤالاتی، که اساس پژوهش عبارتند از؛ ۱- چه نقوشی اعم از حیوانی، انسانی، موجودات ترکیبی و یا هندسی بر مهرهای اشکانی حک شده‌اند؟ ۲- سبک هنری و نقوش مهرها و گل‌مهرهای اشکانی از کجا تأثیر پذیرفته‌اند؟ ۳- کارکرد مهرها و گل‌مهرهای اشکانی با توجه به نقوش حک شده بر آنها چیست؟

### پیشینه مطالعاتی تحقیق

تاکنون درباره مهرهای اشکانی محققینی از جمله در استن (Der Osten, 1931)، دبواز (Debevoise, 1934, 1938)، ماسون و پوگاچنکوا (Masson and Pugachenkova, 1954)، گیبسون (Gibson, 1994)، بادر (Bader, 1990)، اینورنیتزی (Invernizzi, 1976, 1968-69)، بیوار (Bivar, 1967, 1982)، لگرین (Legrain, 1925)، راستاوتسف (Rostovtzeff, 1928) و رونالد والنفس (Wallenfels, 1998) کاوش‌ها و مطالعاتی کرده‌اند. برای دستیابی به اطلاعات منسجم‌تر، نیازمند پژوهش‌ها و کاوش‌های بیشتری در این زمینه هستیم.

### انواع گل‌مهرها، اهمیت و نقش کارکردی آنها

مهرها و گل‌مهرها از جهات مختلف مورد توجه‌اند، از یک سو، هر یک از آنها یک اثر مستقل باستان‌شناسی‌اند که با معاملات قانونی یا امور تجاری سروکار دارند و به عبارتی نمادهایی از قدرت و جایگاه اجتماعی و نشانه‌ای از مالکیتند که می‌توانند عمل انتقال کالا و نگهداری آنها را برای مدت زمان طولانی نشان دهند. از طرف دیگر، به علت وجود حکاکی بر روی آنها، شواهدی برای مطالعه هنر کنده‌کاری محسوب می‌شوند. در این راستا مهرهای آرشیوی دوره تاریخی در پنج حالت، که بیشترین اطلاعات ممکن از آنها

به دست می‌آید، بررسی می‌شوند. این بررسی زمانی ارزشمندتر خواهد شد که نمونه آرشیوهای انتخاب شده از کاوش‌های باستان‌شناسی به دست آیند: (Gubaev and et al, 1990: 57-58; Messina; 2007:195-200). ۱- اطلاعات ذاتی و درونی مهرها شامل سبک‌شناسی، اطلاعاتی در خصوص مذهب، تبلیغات شاهی، انتخاب موتیف‌هایی منحصر به گروه‌های مشخص (گروه‌های اعتقادی و یا مجموعه‌های خانوادگی) و انتخاب نمادهای مرتبط با مسائل اداری؛ ۲- اطلاعات ضمنی و فرعی مهرها، شامل نوشته‌ها، حروف و کلمات، تاریخ‌ها، اسامی اشخاص و نام‌های خاندانی، نشان‌ها و علائم صنعتگران، اطلاعاتی در خصوص صاحب‌منصبان، سازمان‌های اداری و عناوین شغلی؛ ۳- اطلاعات آماری، شامل طرز استفاده از مهرها، کارکرد اداری آنها، نقش صاحبان استفاده‌کننده از مهر (حرفه‌ای، نیمه‌حرفه‌ای یا شهروند خصوصی) در قالب بافت اداری و تشخیص کاربرانی همچون صاحب‌منصبان، پیمان‌کاران، شاهدان و دیگر گروه‌های مرتبط. اطلاعات مربوط به بایگانی مهر، نوع آرشیو (آرشیوهای خصوصی، آرشیو پرستشگاه‌ها و معابد و آرشیوهای عمومی)؛ ۴- اطلاعات خارجی و بیرونی مهر شامل تأثیرات بیرونی بر شمایل‌نگاری و سبک مهرها، نقش سنن گوناگون و تجلی فرهنگ‌های مختلف بر مهرها، ارتباطات چندرسانه‌ای و گروهی، تأثیرپذیری از حکاک‌ها، سکه‌ها، مجسمه‌ها، انتشار موتیف‌ها در مسیر راه‌های تجاری، مقایسه با یافته‌های مشابه و احتمال ارتباط آنها با دیگر آرشیوها ۵- اطلاعاتی در مورد فنی ساخت مهرها، شامل اندازه، سطح، میزان زوال اثر مهر و نوع مهر (حلقه انگشتر فلزی، مهرهایی با سطح محدب یا گل‌مهر، مهرهای استامپی)، نحوه تولید مهر که یا به شکل تولید در کارگاه خصوصی بوده یا تولید به صورت انبوه و بررسی اثر نخ بر پشت مهر با هدف اتصال به سند و مهر و موم کردن آن. همچنین با توجه به کارکرد گل‌مهر، می‌توان آنها را به چند نوع تقسیم کرد؛ یک نوع موسوم به حلقه‌های گلی هستند که برای بستن طومارها در بابل دوره یونانی‌مآبی استفاده می‌شدند. *راستوتسوف* نام اختصاصی بولا را برای آنها در نظر می‌گیرد (Rostovtzeff, 1928: 165). بر اساس کاوش‌های باستان‌شناسی صورت گرفته در سلوکیه به نظر می‌رسد گل‌مهرهای یادشده را اولین بار سلوکیان به وجود آورده باشند (Mc Dowell, 1935: 142; Bivar, 1967:512). بر این اساس، نویسندگان بعدی تمایل داشتند اصطلاح بولا را برای سایر گونه‌های گل‌مهر که به منظور بستن اسناد و محموله‌ها بکار می‌رفت، به کار برند، چنان که در دوره سلوکی کاغذ و پاپيروس اداری یا تجاری را پس

از لوله کردن با استفاده از یک رشته نخ، بسته و به وسیله گل مهر مهر و موم می‌کردند. این گل‌مهرها عموماً بیضی یا مربع‌شکل و میان‌تهی بوده‌اند و به اسناد کاغذی و یا پاپیروسی الصاق می‌شدند یا آنها را احاطه می‌کرده‌اند، سپس بر سطح گلی آنها مهر زده می‌شده و دور آن را با نخ می‌پیچیده‌اند (Invernizzi, 1968-69: 70). قباله‌های پوستی اورامان نیز دارای اثر گل‌مهر بر روی خودند که به تبعیت از سنت یونانی‌مآبی یادشده مهر و موم شده‌اند (Gubaev and et al, 1990:53; Minns, 1915: 25-28). نمونه دیگر، موسوم به برجسب، به وسیله، ریسمانی به طومار یا بسته ضمیمه می‌شد. در قومس تعدادی از گل‌مهرهای رسی مزبور، که برای بستن ظروف نگهدارنده کالاها و احتمالاً نوشتنی‌ها به کار می‌رفته (Bivar, 1982: 164-169)، به دست آمده است. در نوع دیگری که از آن با عنوان نگاهدارنده اسناد یاد می‌شود، تکه کوچک گلی به انتهای نخ که از انتهای سند آویزان شده متصل و آزادانه رها می‌شده است. از این نمونه به منظور مهر و موم کردن بسته‌ها، کیسه‌ها و در انبارها استفاده می‌شده است (Mc Dowell, 1935: 149). لازم به ذکر است که استفاده از گل‌مهرهایی با چندین اثر مهر در اواخر قرن ۵ ق. م رایج شده است (Ibid: 152). بیوار معتقد است در هر جایی که گل‌مهرها چندین اثر مهر را نمایش می‌دهند، بدان معناست که معامله با چندین بخش مختلف صورت می‌گرفته است و در پاره‌ای از موارد می‌توان مشارکت کارمندان و مدیران را نیز شناسایی کرد. این معاملات ممکن است در مورد ازدواج، فروش زمین و یا آزاد کردن برده بوده باشد و در هر معامله مسئول آن فقط تولیدکننده بوده است (Bivar, 1982: 173).

### سبک مهرهای اشکانی

در نگاه نخست تعریف سبک مهرهای اشکانی به علت کمبود محوطه‌های مشخص اشکانی و نیز کمبود کاوش‌های معین صورت گرفته در این زمینه، بی‌ثمر به نظر می‌رسد. برخی از پژوهشگران در تشخیص مهرهای اشکانی و ساسانی یا اشکانی و سلوکی از همدیگر، دچار سردرگمی می‌شوند و حتی نسل‌های قدیمی‌تر بر این باور بودند که نمی‌توان مهری را به دوره اشکانیان نسبت داد (Debevoise, 1934: 66; King, 1866: 108; Mordtmann, 1864: 40). علاوه بر آن، در میان برخی از پژوهشگران در انتساب بعضی از مجموعه‌ها به دوره اشکانی اتفاق نظر وجود ندارد (Frye, 1973: 138-140). مشکل دیگر این‌که اغلب مهرها و گل‌مهرهای اشکانی فاقد نوشته‌اند.

این موضوع دقیقاً در نقطه مقابل مهرهای ساسانی است که بر روی اکثر آنها کتیبه حک شده است. اما این احتمال وجود دارد که بسیاری از مهرهای اشکانی به علت تداوم سبک سلوکی و عدم شناسایی دقیق آنها، به عنوان مهرهای سلوکی معرفی شده‌اند (Gibson, 1994: 91-95). بیوار فرضیاتی را در خصوص اینکه چرا در مجموعه‌ها و موزه‌ها دسته‌بندی مشخصی از مهرها و جواهرات پارتی ارائه نشده به صورت زیر مطرح می‌کند: ۱- جنس مهرها و جواهرات اشکانی از مواد فاسدشدنی و گدازنده بوده، در نتیجه هیچ نمونه‌ای در این مجموعه‌ها برجای نمانده است؛ ۲- این مواد در موزه‌ها و مجموعه‌ها موجودند، اما به اندازه کافی شناخته نشده‌اند؛ ۳- تعداد محوطه‌های اشکانی کاهش شده اندک است، بر این اساس مهرها و جواهرات به اندازه کافی برای مطالعه در اختیار نیست؛ ۴- این مهرها احتمالاً به برخی از سبک‌های مبهم و ناشناخته مرتبطند و یا تنوعی از سبک‌های ناهمگن و نامتنجس در آنها هست (Bivar, 1967: 51).

بیان هنری در شکل ظاهری مهرها در دوره یونانی‌مآبی و اشکانی تغییراتی داشته، اما نمایش محتوا و نمادپردازی بر روی مهرها همانند سه تا چهار هزار سال پیش از آن بوده است (Der Osten, 1925: 81). در این میان، به منظور شناسایی مهرها و اثر مهرها، مدارک سکه‌شناسی بهترین نمونه در این زمینه‌اند و در تشخیص مهرهای دوره اشکانی، به خصوص سلوکی، نمایش سرها بر روی مهرها به راحتی با مدارک سکه‌شناسی قابل تطبیق و سنجش است (Debevoise, 1934: 15; Waterman, 1931: 5; Gibson, 1994: 97-99).

مهرها و گل‌مهرهایی اشکانی از شهر قومس (Bivar, 1982)، نسای قدیم (Masson and Pugachenkova, 1954)، نیپور (Gibson, 1994)، سلوکیه (Invernizzi, 1968)، گوبکلی‌تپه مرو (Bader et al; 1990) و برخی از استقرارهای اشکانی منطقه گاری‌کیاریز (Garry-Kyariz) و ایزگانت (Izgant) ترکمنستان (Roseljakov, 1955) به دست آمده است. گاهی اوقات بر روی ظروف و قبل از پخت نیز اثر مهرهای اشکانی قابل مشاهده‌اند. بر اغلب گل‌مهرهای دوره اشکانی چندین اثر مهر مشاهده می‌شود که یا مشابهند همانند نمونه‌های به دست آمده از قومس (Bivar, 1982: 165)، یا متفاوتند، همانند نمونه‌های به دست آمده از نسای قدیم (Masson and Pugachenkova, 1954: 162). گل‌مهرهای گوبکلی‌تپه دربردارنده چندین اثر مهر تکراری‌اند که نمونه‌های مشابه آن در نسای قدیم (Masson & Pugachenkova, 1954: 159-169) و قومس (Bivar, 1982: 161-167) نیز به دست آمده است. تکرار اثر مهرها بر روی یک تکه گل‌مهر به نظر می‌رسد برای دادن

اعتبار بیشتر به کالا بوده است. اثر مهرهای به‌دست‌آمده از گوبکلی‌تپه بزرگ‌تر از نمونه‌های به دست آمده از قومس و نسا است و قدیمی‌تر از اوایل قرن دوم میلادی نیستند (Bader & et al, 1990: 64). مهرهای اشکانی موزه شرق‌شناسی هاسکل دانشگاه شیکاگو در سال ۱۹۲۸ میلادی *ماریون ویلیامز* مطالعه کرده است. اکثر مهرهای این مجموعه از بغداد به‌دست آمده و در میان آنها مهرهای سلوکی و ساسانی نیز موجود است (Williams, 1928: 250-253).

علاوه بر مهرهای موزه‌ها، مهرها یا اثر مهرهای به‌دست‌آمده از کاوش‌های باستان‌شناسی نیز حائز اهمیت ویژه‌اند. یکی از جالب‌ترین یافته‌های گوبکلی‌تپه مرو، مجموعه عظیمی از گل‌مهرهاست. بیشتر نقوش حک‌شده بر مهرهای گوبکلی‌تپه مرتبط با قدرت شاه و یا در ارتباط با مذهب و عقاید دینی اواخر اشکانیانند که شماری از هنر صحرائشینان را به تصویر می‌کشد. علاوه بر آن در بخش شمالی قلعه گوبکلی‌تپه، قسمت معینی به عنوان محل رسمی و اداری استفاده شده که از آن مهر و اثر مهرهای اشکانی به دست آمده است (Bader al, 1990: 62). در مرو، قطعات گلی، با اثر مهرهای گوناگون، برای مهر و موم کردن اشیایی از قبیل اسناد، بسته‌های حاوی اجناس، تولید، درگاه‌ها و راهروهای خشتی و گلی استفاده می‌شده است. حدود ۵۰۰ عدد از آنها عموماً بیضی شکل و به ابعاد حدود ۱۸×۲۵ میلی‌متر در کاوش‌های گوبکلی‌تپه به دست آمده است. نقوش گل‌مهرها بسیار متنوع بوده است و بیش از ۳۰ موضوع مختلف را در بر می‌گیرد. تصاویر آنها سه سبک متمایز را به نمایش می‌گذارد: شاه سوار بر اسب و اسب واقع‌شده بر پشت یک قربانگاه، مرد برهنه و نقوش هندسی. این گل‌مهرها متعلق به اواخر دوره اشکانی، قرن دوم بعد از میلادند و نقش مهمی را در پاسخ به سؤالات مرتبط با مرو کهن داشته‌اند (Gubaev et al, 1990: 58-60). در نسا قدیم نیز مجموعه کوچکی از اثر مهرها در خانه‌ای چهارگوش به دست آمده که در آنها ترکیب موضوعاتی با منشأ شرقی و غربی تأیید می‌شود. این اثر مهرها بر روی درهای ارتباطی میان اتاق‌ها بعد از بسته‌شدن نقش شده‌اند. موضوعات حک‌شده بر آنها نمادهای پیروزی یونانی (آتنا و دیگر خدایان)، موجودات عجیب و ترکیبی آسیای مرکزی و سبک‌های معاصر ایرانی (سوارکاری در حال شکار شیر) است (Masson & Pugachenkova, 1954: 168-169). گیرشمن اثر مهرهای نسا را به سده‌های اول و دوم بعد از میلاد نسبت می‌دهد (گیرشمن، ۱۳۵۰: ۱۵۷).

بر اساس کاوش‌های شهر قومس، به سرپرستی *جان هانسمن* و *دیوید استروناخ*، طی سال‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۷۱ و ۱۹۷۶ میلادی، گل‌مهرهای رسی حاوی اثر مهر کشف
















گردید. از این کاوش‌ها فقط ۲۳ نمونه گل‌مهر به‌دست‌آمده که بیوار (-173: Bivar, 1982) در سال ۱۹۸۲ میلادی آنها را مطالعه کرده است. در این نمونه‌ها اگر چه ممکن است هر گل‌مهر دربردارندهٔ بیش از یک اثر مهر باشد، هیچ‌یک تنها شامل یک اثر مهر نیستند. این موضوع اهمیت عملکردی هر اثر مهر را به طور جداگانه مشخص می‌کند. در قومس هیچ فضایی مرتبط با اجناس و کالای تولیدشده به دست نیامده و تنها ملاک قطعی در معامله بین تولیدکننده و گیرنده رضایت دریافت‌کننده بوده است (Colledge, 1977: 104). مالکوم کالج در مورد گل‌مهرهای قومس معتقد است که در مناطق دورتر از مراکز هلنی‌شده، فقدان موتیف‌های یونانی دلالت بر شواهدی از سبک‌های قدیمی مهرهای سیلندری دارد که تا حدودی متأثر از هخامنشیانند. به علاوه، وجود سبک‌های محلی در کنار سبک هخامنشی نیز در اثر مهرهای دورهٔ میانی اشکانی مشهود است (Colledge, 1977: 104). طی کاوش‌های هیئت ایتالیایی به سرپرستی آنتونیو اینورنیزی، تعداد اندکی از گل‌مهرهای اشکانی از لایه‌های مربوط به دورهٔ پارت در سلوکیه بدست آمده است (Invernizzi, 1968-69: 70). جریانی مداوم به همراه تغییراتی محسوس در مهرهای دورهٔ سلوکی به اشکانی در سلوکیه مشهود است که کلید این تغییرات نیتزی بیشتر در اوایل دورهٔ اشکانی باید جست تا اواخر دورهٔ سلوکی (Gibson, 1994: 97).

اینورنیزی به پدیدهٔ تداوم سبک هنری مهرهای سلوکی به اشکانی در اوایل دورهٔ اشکانی در سلوکیه اشاره دارد و معتقد است که هنر شرق باستان به‌طور ناگهانی با آغاز دورهٔ سلوکی متوقف نمی‌شود (Invernizzi, 1976: 171). اگرچه اشکانیان در آسیای مرکزی مهرهایی با کیفیت بالا و متأثر از هنر هلنی ایجاد کرده‌اند، با این حال نمی‌توان گفت که مهرهای با کیفیت قومس نیز متأثر از سنت‌های پیشین‌اند (Gibson, 1994: 101). اما در بین‌النهرین دورهٔ اشکانی که بسیاری از جنبه‌های زندگی اداری سلوکیان تداوم یافته (Rostovtzeff, 1928: 167) می‌توان تداوم سبک هنری، فرم و عملکرد برخی از مهرها و گل‌مهرهای سلوکیه را به هنر اشکانیان در لایه‌های مربوط به دورهٔ اشکانی مشاهده نمود. علاوه بر آن شواهد بدست آمده از اروک و بابل بیانگر تداوم تعاملات تجاری و اسناد مهر و موم شده‌ای از دورهٔ سلوکی به اشکانی است (Gibson, 1994: 92). گیرشمن حکاکی اشکانی را پلی بین حکاکی هخامنشی و ساسانی می‌داند که زمینهٔ غنی هنر کنده‌کاری را بر روی گوهرهای دورهٔ ساسانی فراهم آورده و جریان‌های

یونانی‌مآبی را که بدان‌ها پیوند خورده اشکانی نمایان می‌سازد. وی بر این عقیده است که تاریخ این مهرها از قرن اول و دوم میلادی تجاوز نمی‌کند (گیرشمن، ۱۳۵۰: ۳۰).

### نقوش انسانی

تصویر شاه در حال شکار سه مورد از تصاویر اشکانی بر مهرهای مطالعه شده در این پژوهش را تشکیل می‌دهد (مهرهای شماره ۱-۳)، که در آنها شاه، سواره یا پیاده تصویر شده است. تصویر شاه در نبرد تن به تن با خرس (مهر شماره ۳) اگرچه یادآور مضمونی یونانی-پارسی است، اما در مهرهای سوریه شمالی نیز بسیار رایج است (Der Osten, 1931: 230). بیشترین و مهم‌ترین نقش بر مهرها و گل‌مهرهای اشکانی نقش سوارکار است که یا به حالت چهارنعل یا ایستاده تصویر شده است (مهرهای شماره ۴-۸). این مهرها احتمالاً با ظهور نیزه‌دار به عنوان اصلی‌ترین بخش سپاه در میانه‌های قرن دوم ق.م همراه می‌باشند (Bivar, 1982:163). نمایش نقش سوارکار بر روی مهرهای اشکانی متأثر از زندگی صحرانشینی آنهاست؛ نقش شکار به‌طور گسترده‌ای در اواخر اشکانی و اوایل ساسانی در واحه مرو شایع می‌شود (Bader et al, 1990: 62). همچنین تصویر شاه در حال رها کردن تیر از کمان (مهر شماره ۹) دیگر مضمون نقوش شکار و نبرد است.

				
5. (Osten, 1931: 223)	4. (Osten, 1931: 224)	3. (Osten, 1931: 223)	2. (Osten, 1931: 223)	1. (Colledge, 1977:102)
				
10,11. (Osten, 1931:224)	9. (Colledge, 1977: 102)	8. (Bader et al, 1990: 68)	7. (Bivar, 1982:172)	6.(Colledge,1977:102)
				
16. (Bivar, 1982:171)	15. (Bivar, 1982:172)	14. (Bader et al, 1990: 67)	13. (Williams, 1928: 252)	12. (Williams,1928:252)













نقش حک‌شده بر مهرهای شماره ۱۰ و ۱۱ نیم‌تنه مردی از نیم‌رخ راست است که با کلاه یا سربندی به سر (؟) و با حواشی‌ای از نقطه‌ها احاطه شده است. در مهر شماره ۱۲، که با تصویر واضح‌تری نسبت به دو نمونه قبل پرداخت شده، سر یک مرد اشکانی ریشدار را از نیم‌رخ راست نمایش می‌دهد. در مقابل صورت او، کتیبه‌ای پهلوی، که تا حدودی فرسوده شده، مشاهده می‌گردد. نقش حک‌شده در مهر شماره ۱۳، درختی معمولی است که از داخل ظرفی روییده شده است. در سمت راست آن گاو کوهانداری (؟) از نیم‌رخ چپ ترسیم شده و در سمت چپ درخت، پرستش‌کننده‌ای به حالت ایستاده و با دامن کوتاهی بر تن نمایش شده است. در پشت پرستشگر نیز قربانگاهی کوچک قابل مشاهده است. وان در / اوستن نقش مهرهایی که پرستشگری را به حالت ایستاده یا زانورده در برابر قربانگاه و یا اشیای مقدس دیگری نشان می‌دهد، با توجه به ویژگی‌هایی چون جزییات لباس و شکل مخروطی آنها به دوره سلوکی و اشکانی نسبت می‌دهد (Osten, 1925: 82)، اما دیواز آنها را به دوره هخامنشی یا بابل جدید منسوب می‌کند (Debevoise, 1934: 17). مهرهای شماره ۱۴، ۱۵ احتمالاً خدا یا الهه‌ای (؟) را به حالت نشسته یا ایستاده و به نیم‌رخ چپ نمایش می‌دهد که دست راست خود را بلند کرده و چیزی را در دست راست خود گرفته است. تصویر شاه یا الهه (؟) نشسته بر تخت، به حالت نیم‌رخ چپ و یا راست مشابه نمونه‌هایی است که بر پشت سکه‌ها یا آثار رسمی اداری نقش شده است و اشکانیان آن را از الگوهای شرق کهن اقتباس کرده‌اند (Bader et al, 1990: 65). نشستن شاهزاده خانمی بر روی تخت و در حال نواختن چنگ (؟) (مهر شماره ۱۵) موضوع آشنای مهرهای یونانی - ایرانی است. احتمالاً این صحنه بیانگر محفل شادخواری ای است مناسب دوره یونانی - اشکانی است. بر این اساس، تاریخی که برای آن پیشنهاد می‌شود قرن دوم و سوم پیش از میلاد است (Bivar, 1982: 165). مهر شماره ۱۶ به خوبی چهره انسانی را از روبه‌رو نمایش می‌دهد که ظرفی را با دست چپ بر بالای سر برده و دست راستش را تا بالای سرش بالا آورده است.

### نقوش حیوانی

تصویر شماره ۱۷ قطعه‌ای از یک گل مهر دایره‌ای (؟) شکل است که دربردارنده سه اثر مهر جزیی از یک مهر استامپی دایره‌ای است. مرکز یکی از این اثر مهرها تقریباً کامل نقش شده و اثر منقوش بر آن بز کوهی قوزکرده‌ای است که پاهایش به زیر شکمش تا

خورده و سرش به عقب برگشته است. این نمایش قابل توجه و عجیب از این در میان سبک‌های کلاسیک که تا حالا شناخته شده با بقیه فرق دارد (Bivar, 1982: 172).



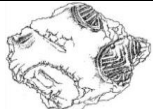


				
21. (Bivar, 1982: 174)	20. (Williams, 1928: 252)	19. (Colledge, 1977: 102)	18. (Bivar, 1982: 173)	17. (Bivar, 1982: 172)
				
26. (Bader et al, 1990: 67)	25. (Bader et al, 1990: 67)	24. (Gibson, 1994: 99)	23. (Bivar, 1982: 174)	22. (Williams, 1928: 252)

مشابه بُزکوهی فوق به حالت عادی از قومس به دست آمده است. گل مهر شماره ۱۸ شامل ۱۸ اثر مهر کامل و ۴ اثر مهر ناقص از یک مهر مسطح دایره‌ای شکل است. به نظر می‌رسد منشأ همه آنها از یک مهر باشد. این اثر مهرها نقش یک گوزن با شاخ دنداندار بلند و در حال پرش و جهیدن را نمایش می‌دهند. این گوزن از نیم‌رخ راست نقش شده و نمونه مشابه آن از گنجینه جیحون نیز به دست آمده است (Bivar, 1982: 172). اثر مهر دایره‌ای شماره ۱۹ دو گوزن را در مقابل نخلی (؟) نمایش می‌دهد. یکی از آنها از نیم‌رخ چپ و دیگری از نیم‌رخ راست نقش شده است. نقش حک شده بر مهر نیم‌کره‌ای شماره ۲۰ سر گوزن نری از نیم‌رخ چپ است که به طرز عالی و ظریف طراحی شده است. گل مهر شماره ۲۱ سه اثر مهر با نقش بزغاله و از نیم‌رخ راست با شاخ‌های پیچ خورده به عقب و دُمی برگشته به بالا را نمایش می‌دهد. تصویر مهر شماره ۲۲ گاو نر کوهاندار و شاخداری است که از نیم‌رخ راست ترسیم شده است. ردیفی از نقاط حاشیه نقش را احاطه کرده‌اند. گل مهر شماره ۲۳ نیز قطعه طویلی از گل مهر بزرگ‌تری است که سمت چپ آن شکستگی دیده می‌شود. بر روی آن دو اثر مهر با نقش سگ (سگ گرگانی(؟)) و یا گرگ بزرگی (Bivar, 1982: 172) از نیم‌رخ راست و با گوش‌های کشیده به سمت جلو نقش شده است. تعداد اندکی از مهرهای یافته شده از کاوش‌های نیپور را می‌توان به سبک حکاکی اشکانی نسبت داد. این اطلاعات بر اساس کاوش‌های دانشگاه پنسیلوانیا در قلعه نیپور در دهه ۱۸۹۰ میلادی و نیز بر اساس نهمین و دهمین فصل کاوش‌های

هیئتی از دانشگاه شیکاگو در سال‌های ۱۹۶۴-۱۹۶۷ میلادی است. در کاوش‌های دانشگاه پنسیلوانیا، یک اثر مهر و یک مهر سنگی با کیفیت پایین از دوره اشکانی به دست آمده (Legrain, 1925: 1022-23; Knudstad, 1968: 104-106) که سه حیوان شاخدار مشابه هم را نمایش می‌دهد (مهر شماره ۲۴). سرزندگی، کیفیت طرح این مهر و تأکید بر اندام‌های ماهیچه‌ای حیوانات حک شده، مشابه مهرهای قومس و مهرهای اشکانی آسیای مرکزی است (Bader, 1990: 77; Brentjes, 1989: 332; Bivar, 1982: 170). مهرهای شماره ۲۵ و ۲۶ تصویر اسبی را در مقابل قربانگاهی نمایش می‌دهد. این اسب‌ها از نیم‌رخ چپ ترسیم شده‌اند و بر بالای سر هر یک هلال ماهی مشاهده می‌گردد. هلال ماه نقشی بر گرفته از صور فلکی است (Wallenfels, 1994: 146).








### نقوش هندسی

گل‌مهر شماره ۲۷ قطعه‌ای از یک سفال‌نوشته با پنج اثر مهر است. نقوش حک شده بر این گل‌مهر علامت ضربدر یا صلیب در زمینه دایره‌ای شکل از یک مهر دایره‌ای است. به نظر می‌رسد گل‌مهر شماره ۲۸ دایره‌ای شکل و شامل یک اثر مهر استامپی مستطیل شکل و بزرگ بوده و بر روی آن نقشی شطرنجی در زمینه‌ای چهارگوش به خوبی تصویر شده است. بر مهر شماره ۲۹ نقوش هندسی به شکل هفت و هشت تو در تو و در چهار جهت بر سطح دایره‌ای اثر مهر بر جای مانده که مشابه این نمونه را در مهرهای پیش از تاریخ نیز می‌توان دید. در مهرهای شماره ۳۰ و ۳۱ نقوش هندسی در الگوی لوزی حک شده‌اند و پهلوهایی پهن و مسطح آنها به‌طور غیر معمولی برای سوراخ‌های بزرگ پرداخت شده است.

				
31. (Williams, 1928: 252)	30. (Williams, 1928: 252)	29. (Bader et al, 1990: 65)	28. (Bivar, 1982: 175)	27. (Bivar, 1982: 175)

## نقوش حیوانات تخیلی

تصویر شماره ۳۲ موجود افسانه‌ای بالداری با سر و بدن انسان از نیم‌رخ راست نمایش می‌دهد که دست راست خود را بلند کرده و عصایی در دست چپ دارد. اثر مهر بیضی‌شکل شماره ۳۳ نیز موجود افسانه‌ای بالداری با دم برگشته به سمت بالا و از نیم‌رخ راست نمایش می‌دهد که دهانش را باز کرده است. بر بالای سر این هیولای بالدار تک‌شاخی مشاهده می‌گردد و به نظر می‌رسد کتیبه‌ساییده‌شده‌ای در سمت راست آن نگارش شده است. در مهر شماره ۳۴ دو حیوان از نیم‌رخ چپ نقش شده‌اند که یکی از آنها موجود افسانه‌ای بالداری را نمایش می‌دهد. در کنار این موجود، گوزنی به حالت خوابیده و قوز کرده نمایش شده و در سمت راست این دو حیوان کتیبه‌ای به خط پهلوی حک شده است. نقش ترسیم‌شده بر مهر شماره ۳۵ گریفینی (موجودی افسانه‌ای با بدن شیر و سر و بال عقاب) از نیم‌رخ راست است. سه اثر مهر از یک مهر مسطح مدور بر گل‌مهر شماره ۳۶ ابوالهولی بالدار از نیم‌رخ چپ است که یک چنگالش را بالا آورده و احتمالاً رو به روی ستونی واقع شده است. گل‌مهر شماره ۳۷ تقریباً مستطیل‌شکل بوده و موجود چهارپای افسانه‌ای و ایستاده از نیم‌رخ راست را نمایش می‌دهد که صورت آن تا حدودی شبیه به انسان است. گوش‌های او به سمت بالا تیز شده و شاخ‌هایش کوتاه تصویر شده‌اند. این موجود افسانه‌ای احتمالاً بالدار بوده و شاید یک گرگ افسانه‌ای (؟) باشد. گل‌مهر شماره ۳۸ در دو جهت شکستگی دارد و شامل یک اثر مهر مسطح دایره‌ای‌شکل است.

						
38. (Bivar, 1982:176)	37. (Bivar, 1982:174)	36. (Bivar, 1982:173)	35. (Williams, 1928:252)	34. (Colledge, 1977: 102)	33. (Colledge, 1977: 102)	32. (Colledge, 1977: 102)

نقش این اثر مهر عجیب و غیر معمول ترسیم شده و بیشتر شبیه به یک عقرب است. این نقش با چهار پا یا خط در بالا و دو پا در پایین منشعب شده و دو چنگال بزرگ در جلوی این موجود (؟) نقش شده است. این طرح مشابه نمونه‌هایی است که از محوطه چمن حضوری افغانستان به دست آمده است (Bivar, 1982:172).

### جنس مهرها و گل مهرهای اشکانی

جنس مهرها می‌تواند اطلاعاتی در خصوص مالکیت فرد استفاده‌کننده، نوع بافتی که از آن به‌دست‌آمده و کارکرد آن به دست دهد. جنس گل مهرهای گوبکلی تپه هیچ تفاوتی با گلی که برای ساخت قلعه از نظر ساختار و کیفیت به کار رفته ندارد و این کاملاً با نمونه گل مهرهای به‌دست‌آمده از نسای قدیم که به خوبی آماده و ورز داده شده‌اند فرق دارد. همچنین جنس گل مهرهای نسا با جنس خاکی که در دیوارها و کف به کار رفته متفاوت است (Bader & et al; 1990: 77-78). شواهد به‌دست‌آمده از قومس نشان می‌دهد که مهرهای سنگی نیمه‌قیمتی سلوکی و اواخر هخامنشی در دوره اشکانی نیز کاربرد داشته‌اند (Bivar, 1967: 513). در این میان، حلقه‌های انگشتری خاتم‌دار و سنگ‌های سخت همانند عقیق جگری را در دوره اشکانی و سپس ساسانی به عنوان مهر به کار می‌برده‌اند و این‌ها و تا دوره‌های اسلامی نیز همچنان به حیات خود ادامه داده‌اند (Wallenfels, 1998: 164).

### شکل مهرها

اگرچه شکل عموم مهرها از دوران پیش از تاریخ تا دوره اسلامی دایره‌ای یا بیضی شکل بوده، تغییرات اندکی در هر دوره نسبت به ادوار قبل و بعد از آن مشهود است. این تغییرات به ظاهر جزئی می‌تواند در شناخت ویژگی‌های مهرها و اثر مهرهای آن دوره مؤثر واقع شوند. مکدوال یکی از انواع گل مهرهای دوره اشکانی را که از آنها به عنوان مهرهای محدب یاد می‌شود، معرفی می‌کند. سطح بیرونی آنها مسطح یا مقعر و گود بوده و دربردارنده اثر مهر است اما سطح درونی آنها محدب، برآمده و صاف است (Mcdowell, 1935: 240). به نظر دبواز فقدان نمونه مهرهای قبه‌ای شکل اشکانی تا حدودی به ناهمگونی تراش مهرها بر می‌گردد. این موضوع در مورد مهرهایی با نقوش انسانی و حیوانات بیشتر نمود می‌یابد. همچنین عدم کیفیت در مهرهای یادشده تا حدودی به سبک سکه‌های مسی اشکانی با نقش حیوان شباهت دارد. به طور کلی، مهرهای دوره اشکانی نسبت به مهرهای سلوکی که بیضی‌شکل‌اند، عموماً به شکل دایره‌ای ساخته شده‌اند (Debevoise, 1938: 473). با توجه به موضوعات مطرح‌شده، یکی از مشکلاتی که در تفکیک مهرهای اشکانی از ساسانی وجود دارد، تداوم شکل دایره‌ای با پایه‌ی بیضی شکل مهر از دوره اشکانی به ساسانی و شباهت مهرهای این دو دوره به یکدیگر است. به علاوه، وجود کتیبه بر روی مهر تعیین منشأ آن را مشکل می‌سازد، چرا

که تمام نوشته‌های اشکانی روی مهرها به دوره اشکانی نیستند و در شمال و شرق ایران این نوشته‌ها تا پایان قرن سوم بعد از میلاد مورد توجه ساسانیان بوده‌اند. بر این اساس مهرهایی که بر آنها کتیبه اشکانی دیده می‌شود و از نظر جغرافیایی با قلمرو اشکانیان مطابق‌اند، الزاماً متعلق به آنها نیستند (Debevoise, 1934: 18; Bivar, 1967: 517).

### تکنیک برش مهرها

ابزار و فنون حکاکی ارزش بالایی در شناسایی مهرهای اشکانی و ساسانی نداشته‌اند چراکه ابزاری همانند سوزن نوک‌تیز، مته و چرخ در دوره هخامنشی و پس از آن در حکاکی مهرها استفاده شده است. در مهرهای اشکانی و ساسانی، به‌جز در مواردی مرتبط با مواد دیرگداز (نسوز) از قبیل کوارتز، به ندرت از سوزن نوک‌تیز و مته با نوک گرد ساده در حکاکی استفاده شده است. استفاده از چرخ در عموم مهرهای سنگی به مراتب بیشتر از دو مورد قبلی کاربرد داشته و حکاکان احتمالاً با استفاده از این روش می‌توانسته‌اند تقاضای عظیم مردم را برای تولیداتشان نگه دارند (Debevoise, 1938: 473). برخی از مهرهای گویکلی‌تپه سوراخی در پشت داشته که امکان آویزان کردن از گردن، کمربند و گردن را فراهم می‌کرده است و برخی دیگر نیز در داخل جعبه‌هایی کوچک نگهداری می‌شدند که از آنها برای مهر و موم کردن کالاها یا اسناد استفاده می‌شد (Bader & et al, 1990: 71).

در کنار تفاوت در شکل، در دوره اشکانی حکاکی بر روی مهرها عمیق‌تر از دوره‌های قبل شده و به نظر می‌رسد بیشتر تکنیک‌های به‌کار رفته در حکاکی مهر نیز پیشرفته‌تر از قبل باشد. از جمله می‌توان به وجود تعدادی از خطوط موازی راست به خاطر استفاده‌ی فراوان از چرخ در برش مهرها اشاره کرد. این عامل تقاضای بسیار برای مهر به دنبال داشته است (Debevoise, 1934: 14-16).

جدول مقایسه‌ای مهرهای اشکانی (نگارندگان)

نمونه قابل مقایسه	اجرام آسمانی	کتیبه	ابعاد	محل نگهداری	محل کشف	جنس مهر	موضوع حکاکی مهر	شماره
Gates, 2002: 111, 112 (Fig. 2.4), Garrison, 1991: 5.6 (Fig. 4.5), Rankin, 1959: 19 (Pl. XI, No. 71).	ماه	دارد	-	-	نسا قدیم	-	انسانی (شکار)	۱
Gordon, 1939: 44 (Pl. 101), Garrison & Root, 2001: 145 (Pl. 41).	-	ندارد	۹×۱۸	موزه متروپولیتن	-	عقیق باند دار	انسانی (شکار)	۲
Millard, 1978: 70 (Pl. XI a, b), Lambert, 1979: 25 (Pl. X, No. 87e).	-	ندارد	۶×۱۳×۱۱	موزه متروپولیتن	-	سنگ یمانی	انسانی (شکار)	۳
Gates, 2002: 117 (Fig. 12)	-	ندارد	۱۲×۱۶	موزه متروپولیتن	-	سنگ آهک	انسانی (سوارکار)	۴

مهرهای اشکانی: نگرشی بر سبک هنری و کارکرد / ۱۰۷

شماره	موضوع حکاکی مهر	جنس مهر	محل کشف	محل نگهداری	ابعاد	کتیبه	اجرام آسمانی	نمونه قابل مقایسه
۵	انسانی (سوارکار)	عقیق جگری	-	موزه متروپولیتن	۶×۱۶	ندارد	-	Gates, 2002:117 (Fig:12)
۶	انسانی (سوارکار)	-	نسا قدیم	-	-	ندارد	-	Vermeule, 1970:210 (Fig.18a). Zettler,1979:260-261 (Pl.a-c). Mitchell and Searight, 2008:179 (No.574).
۷	انسانی (سوارکار)	-	قوس	-	-	ندارد	-	Vermeule, 1970:210 (Fig.18a). Zettler,1979:260-261 (Pl.a-c). Mitchell and Searight, 2008:179 (No.574).
۸	انسانی (سوارکار)	-	گوبکی تپه	-	-	ندارد	-	Vermeule, 1970: 210 (Fig.18a). Zettler,1979:260-261 (Pl.a-c).
۹	انسانی (کماندار)	-	نسای قدیم	-	-	دارد	-	Stern, 1971:11 (Fig. 9)
۱۰	انسانی (نیم‌تنه)	همانیت	-	موزه متروپولیتن	۱۳×۱۰	ندارد	-	Lerner, 1976:186 (Fig.4)
۱۱	انسانی (نیم‌تنه)	همانیت	-	موزه متروپولیتن	۹×۱۰×۱۰	ندارد	-	Lerner, 1976:186 (Fig.4)
۱۲	انسانی (نیم‌تنه)	-	بغداد	موزه هاسکل	۱۶×۱۸	دارد	-	Gordon, 1939:47 (Pl.124). Brunner, 1979:37 (Fig.5). Provasi, 1975:433 (pl.2a). Martin, 1940:46 (No.21)
۱۳	انسانی (نیایشگر)	عقیق جگری	بغداد	موزه هاسکل	۱۴×۲۰	ندارد	-	-
۱۴	انسانی (آلهه (۴))	-	گوبکی تپه	-	-	ندارد	-	Lambert, 1979:28 (Pl.XIII, No.128) Mitchell and Searight, 2008:66 (No.111).
۱۵	انسانی (آلهه (۴))	-	قوس	-	-	ندارد	-	Lambert, 1979:28 (Pl.XIII, No.128).
۱۶	انسانی نیایشگر (۴)	-	قوس	-	-	ندارد	-	Parker, 1962:46 (Pl. XIX, Fig:5)
۱۷	حیوانی (بز کوهی)	-	قوس	-	-	ندارد	-	Von Der Osten, 1931:224 (No.36)
۱۸	حیوانی (گوزن)	-	قوس	-	-	ندارد	-	Vermeule, 1970:204 (Fig:9) Graziani, 1979: 187 (Fig. 11,12).
۱۹	حیوانی (گوزن)	-	نسای قدیم	-	-	ندارد	-	Gordon, 1939: 46 (Pl.121).Vermeule, 1970: 202 (Fig.5).
۲۰	حیوانی (گوزن)	عقیق	بغداد	موزه هاسکل	۱۲×۱۵	ندارد	-	Von Der Osten, 1931:224 (No.40). Von Der Osten, 1931:224 (No.37)
۲۱	حیوانی (بزغاله)	-	قوس	-	-	ندارد	-	Parker, 1955:125 (No. 2333). Parker, 1955:121 (No. 3421). Martin, 1940:46 (No.22)
۲۲	حیوانی (گاو تر کوهاندار)	-	بغداد	موزه هاسکل	۱۴×۱۳	ندارد	-	Gordon, 1939:44 (Pl.123). Lerner, 1976:186 (Fig.3).Torrey,1932:207 (Pl.7a,7e)
۲۳	حیوانی (سگ)	-	قوس	-	-	ندارد	-	Moorey and Gurney, 1973:74 (Pl.XXXV, No.29). Parker, 1955:124 (No. 3435)
۲۴	حیوانی (موجود شاختار)	-	نیور	-	-	ندارد	-	Meek,1944:11 (Pl.III, No.18)
۲۵	حیوانی (اسب)	-	گوبکی تپه	-	-	ندارد	ماه	Gibson,1994:100 (No.3) Mitchell and Searight, 2008:159 (No.485b).
۲۶	حیوانی (اسب)	-	گوبکی تپه	-	-	ندارد	ماه	Gibson,1994:100 (No.3) Mitchell and Searight, 2008:159 (No.485b).
۲۷	هندسی (ضربدر یا صلیب)	-	قوس	-	-	ندارد	-	Parker, 1955:108 (Pl.XXIX, No. 3434) Mitchell and Searight, 2008:73 (No.134).
۲۸	هندسی (نقش شطرنجی)	-	قوس	-	-	ندارد	-	-
۲۹	هندسی (خطوط منحنی)	-	گوبکی تپه	-	-	ندارد	-	Negahban, 1977:97 (Fig.12, 15, 26). Parker, 1955:108 (No. 3447). Rankin,1959:17 (Pl.IX, No.39b).Henrickson, 1988:9b
۳۰	هندسی (لوزی)	عقیق جگری	بغداد	موزه هاسکل	۱۶×۱۵	ندارد	-	Lambert, 1979:27 (Pl.XII, No.99).
۳۱	هندسی (لوزی)	عقیق جگری	بغداد	موزه هاسکل	۱۶×۱۴	ندارد	-	Lambert, 1979:27 (Pl.XII, No.99).
۳۲	موجود تخیلی بالدار	-	نسای قدیم	-	-	ندارد	-	Parker, 1955:117 (Pl. XVIII, No.3). Robinson, 1949:327-328, (Pl.42, 43, No.20b, 26b) Mitchell and Searight, 2008:216 (No.703b).
۳۳	حیوان تخیلی (موجود بالدار)	-	نسای قدیم	-	-	دارد	-	Boardman,1970:30 (Fig.8, No.60)
۳۴	حیوان تخیلی (موجود بالدار)	-	نسای قدیم	-	-	دارد	-	Boardman,1970:42 (Pl.6, No.151) Brunner,1979:34 (Fig.12).

ردیف	موضوع حکاکی مهر	جنس مهر	محل کشف	محل نگهداری	ابعاد	کتیبه	اجرام آسمانی	نمونه قابل مقایسه
۳۵	حیوان تخیلی (گریفین بالدار)	عقیق جگری	بغداد	موزه هاسکل	۱۶×۱۵	ندارد	-	Moorey and Gurney, 1973: 74 (Pl. XXXV, No. 26, 28), Boardman, 1970: 30 (Fig. 8, No. 74), Der Osten, 1931: 227 (No. 75) Mitchell and Searight, 2008: 240 (No. 779g).
۳۶	حیوان تخیلی (اسفنگس بالدار)	-	قوس	-	-	ندارد	-	Rankin, 1959: 19 (Pl. XI, No. 65b), Mitchell and Searight, 2008: 158 (No. 479b).
۳۷	حیوان تخیلی (گرگ بالدار <sup>(۴)</sup> )	-	قوس	-	-	ندارد	-	Lambert, 1979: 22 (Pl. VII, No. 65e).
۳۸	حیوان تخیلی <sup>(۴)</sup> (عقرب <sup>(۵)</sup> )	-	قوس	-	-	ندارد	-	Mitchell and Searight, 2008: 229 (No. 739j).

### نتیجه

به جهت توالی دوره‌های سلوکی و اشکانی و شباهت مهرهای این دو دوره، اغلب تفکیک مهرها و اثر مهرهای این دو دوره از هم مشکل خواهد بود. با این حال، باستان‌شناسان برای شناسایی مهرها و اثر مهرهایی با موضوعات کاملاً شرقی در دوره‌های اشکانی و سلوکی نیازمند استفاده از شیوه‌ای تطبیقی و مقایسه‌ایند. مدارک سکه‌شناسی در این زمینه نقش بسزایی ایفا می‌کند؛ با مقایسه موضوعات انسانی نقش‌شده بر مهرها و گل‌مهرها با سکه‌های آن دوره می‌توان به شباهت‌هایی میان آنها پی برد و تاریخ‌گذاری مشابهی پیشنهاد کرد.

بر اساس مهرهای به‌دست‌آمده از کاوش‌های محوطه‌های اشکانی از جمله قوس، نسا، گوبکلی‌تپه و مهرهای موزه‌ها و مجموعه‌ها می‌توان گفت که نمونه گل‌مهرهای به‌دست‌آمده از قوس، گوبکلی‌تپه و نسا بیشتر برای مهر و موم کردن ظروف نگهدارنده کالا، انبارها و اسناد به‌کار می‌رفتند، بنابراین می‌توان از طریق آنها ارزش اقتصادی و تولیدی یک مکان را شناسایی و معاملات صورت گرفته میان مناطق مختلف را بررسی کرد و در مواردی حتی می‌توان به شیوه معیشت آنها پی برد. علاوه بر آن، طرح مهرها و گل‌مهرهای مزبور از سنت هخامنشی، یونانی، سبک حیوانات آسیای مرکزی و سبک‌های محلی متأثر است. موتیف‌های رایج بر روی مهرها و اثر مهرهای دوره اشکانی، نیم‌تنه انسان، موجودات افسانه‌ای، انسان تمام‌قد، انسان سوارکار (یکی از نقوش مهم و شاخص نقش‌شده بر مهرهای اشکانی)، گوزن، ابوالهول، بزغاله و نقوش هندسی است. تصویر گرگ و سوارکار نیزه به‌دست بر روی گل‌مهرهای اشکانی به درستی می‌توان جزء موضوعات اشکانی طبقه‌بندی کرد، چرا که گرگ امروزه در سرزمین گرگان، که جزء اصلی قلمرو آنان بوده به وفور یافت می‌شود و مشابه نقش سوارکار نیزه به دست در مهرهای فرهنگ‌های قبل از اشکانیان بندرت دیده شده است. از نظر فنون حکاکی و



برش مهرها نیز عمق برش در مهرهای اشکانی و سلوکی به مراتب بیشتر از دوره‌های قبل است. در مجموع باید گفت که راه حل نهایی برای مشکلات مربوط به مهرهای این دوره با انجام کاوش‌های بیشتر و انتشار نتایج آنها میسر می‌شود.

## منابع

- گیرشمن، رومن (۱۳۵۰). *هنر ایران در دوران پارت و ساسانی*، ترجمه بهرام فره‌وشی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- Bader, A, G, V & Koselenko, G.1990. New Evidence on Parthian Spheragistics Bullae from the Excavations of Gobekly – Depe in Margiana, *Mesopotamia*, XXV: 61-78.
- Bivar, A. D. H.1967. A Parthian Amulet, *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, University of London, Vol. 30, No. 3 : 512.
- Bivar, A. D. H. 1982. Seal-Impressions of Parthian Qumis, by :British Institute of Persian Studies, *Iran*, Vol. 20, No. 4 : 161-176.
- Boardman, J. 1970. *Greek Gem and Finger Ring: Early Bronze Age to Late Classical*, London.
- Boardman, J.1970. Pyramidal Stamp Seals in the Persian Empire, *Iran*, Vol. 8: 19-45.
- Brentjes. 1989. Stempel - und Rollsiegel aus Baktrien und Chorasan, *Baghdader Mitteilungen*, 20 : 315-335.
- Brunner, C. J.1979. Sasanian Seals in the Moore Collection: Motive and Meaning in Some Popular Subjects, *Metropolitan Museum Journal*, Vol. 14 : 33-50.
- Colledge, M. A. R. 1977. *Parthian Art*, University of London.
- Debevoise, N. C. 1934. The Essential Characteristics of Parthian and Sasanian Glyptic Art, *Berytus I*: 12-18.
- Debevoise, N. C. 1938. Parthian Seals, In: *A.U.Pope A Survey of Persian Art I*, Axford, Vol.I : 471-74.
- Doty, L.T. 1979. An Official Seal of the Seleucid Period, *Jornal of Near Eeastern Studies*, Vol. 38, No. 3: 195 -197.
- Frye, R.N. (ed).1973. Sasanian Remains from Kari Abu Nasr, Seals, Sealing and Coins, *Cambridge Mass*: 137-142.
- Garrison, M. B. 1991. Seals and the Elite at Persepolis: Some Observations on Early Achaemenid Persian Art, *Ars Orientalis*, Vol . 21: 1-29.
- Garrison, M. B and Root, C.M. 2001. Seal on the Persepolis Fortification Tablets Volume I, Image of the Heroic Encounter, Part I: Text, eds, Thomas A., Holland and Thomas G. Urban, *The Oriental Institute of Chicago*, Oriental Institute Publications Volume 117.

- Gates, J. E. 2002. The Ethnicity Name Game: What Lies behind "Graeco-Persian"? , *Ars Orientalis*, Medes and Persians: Reflections on Elusive Empires, Vol . 32: 105-132.
- Gibson, M.1994. Parthian Seal Style: A Contribution from Nippur, *Mesopotamia* XXIX: 89-105.
- Gordon, C. H.1939. Western Asiatic Seals in the Walters Art Gallery, *Iraq*, Vol. 6, No. 1: 3-34.
- Graziani, S. 1979. Ancient Near-Eastern Seals from the Nayeri Collection, *East and West*, Vol . 29, No. 1/4: 177-187.
- Gubaev, A. Koselenko, G , Novikov, S .1990. Archaeological Exploration of the Merv Oasis, *Mesopotamia* XXV: 51- 60.
- Henrickson, E. F.1988. Chalcolithic Seals and Sealings from She Gabi Central Western Iran, *Iranica Antiqua*, Vol. XXIII: 1-19.
- Invernizzi. A.1968-69. Bullae from Seleucia, *Mesopotamia* 3-4: 69-124.
- Invernizzi, A. 1976. Ten Years Research in the Al-madain Area, Seleucia and Ctesphon, *Sumer*, 32: 167-75.
- King, C. W.1866. *The handbook of Engraved Gems*, London, Bell & Daldy, Oxford University.
- Knudstad. 1968. A Preliminary Report on the 1966-67 Excavations at Nippur, *Sumer* No. 24:95-106.
- Lambert, W. G. 1979. Near Eastern Seals in the Gulbenkian Museum of Oriental Art, University of Durham, *Iraq*, Vol . 41, No . 1: 1- 45.
- Legrain, L.1925. The Culture of the Babylonians from their Seals in the Collection of the Museum University of Pennsylvania, *The University Museum, Babylonian Section*, 14, Philadelphia.
- Lerner, J. A. 1976. Sasanian Seals in the Department of Medieval and Later Antiquities of the British Museum, *Journal of Near Eastern Studies*, Vol . 35, No . 3: 183-187.
- Martin, R. A.1940. Ancient Seals of the Near East, Anthropology Leaflet, No. 34, *Ancient Seals of the Near East*: 1-4.
- Masson, M. E. and Pugachenkova, G.A. 1954, Impressions of Parthian Seals from Nisa, VDI: 159 - 169.
- M dowell, R. H.1935. *Stamped and Inscribed Objects from Seleucia on the Tigris*, Ann Arbor.
- Meek, T. J. 1944. Ancient Oriental Seals in the Redpath Library, *Bulletin of the American Schools of Oriental Research*, No. 93: 2-13.
- Messina, V. 2007. A Multi-Level Approach to the Study of the Seal Impressions, *Iran & the Caucasus*, Vol. 11, No . 2: 195-200.

- Millard, A. R. 1978. The Assyrian Royal Seal: An Addendum, *Iraq*, Vol. 40, No. 1: 70.
- Minns, E. H. 1915. Parchments of the Parthian Period from Avroman in Kurdistan, *Journal of Hellenic Studies*, 35, 22- 64.
- Mitchell, T.C. and Searight, A . 2008. *Catalogue of the Western Asiatic Seals in the British Museum, Stamp Seal III, Impressions of Stamp Seals on Cuneiform Tablets, Clay Bullae, and Jar Handles*, Published in Collaboration with the Trustees of the British Museum, Leiden, Boston.
- Mordtmann, A. 1864. Studien iiber Geschnittene Steine mit Pehlevi-Inschriften, *Zeitschrift der Deutschen Morgenlandisvhen Gesellschaft*, XVII,1-52.
- Negahban, E. O. 1977. The Seals of Marlik Tepe, *Journal of Near Eastern Studies*, Vol . 36, No . 2: 81-102.
- Osten, V. der. H. H. 1925. The Musem Collection of Oriental Seal – Stone, *The Metropolitan Museum of Art Bulletin*, Vol .20, No. 3:80-82.
- Osten, V. d. H. H.1931. The Ancient Seals from the Near East in the Metropolitan Museum: Old and Middle Persian Seals, *The Art Bulletin*, Vol .13, No. 2:221-241.
- Parker, B.1955. Excavations at Nimrud, 1949-1953: Seals and Seal Impressions, *Iraq*, Vol. 17, No. 2, pp. 93-125.
- Parker, B. 1962. Seals and Seal Impressions from the Nimrud Excavations, 1955-58, *Iraq*, Vol 24, No 1: 26-40.
- Provasi, E. A.1975. Seals with Pahlavi Inscriptions from the Nayeri Collection: I, *East and West*, Vol . 25, No .3/4, : 427-433.
- Rankin, J. M. M. 1959. Ancient near Eastern Seals in the Fitzwilliam Museum, *Cambridge*, Vol. 21, No . 1 (Spring, 1959) : 20-37.
- Robinson, D. M. 1949. The Robinson Collection of Greek Gems, Seals, Rings, and Earrings, *Hesperia Supplements*, Vol . 8: 305-328.
- Roseljakov, A.A.1955. Glinjanaja pechet iz sela izgant, *Trudy ju Take. Asxabad* 5:104-107.
- Rostovtzeff, M. I. 1928. Syria and the East, The Cambridge Ancient History, Cambridge, Vol. 7:156-96.
- Stern, E. 1971. Seal- Impressions in the Achaemenid Style in the Province of Judah, *Bulletin of the American Schools of Oriental Research*, No. 202: 6-16. - Torrey, Charles C., 1932. Pehlevi Seal Inscriptions from Yale Collections, *Journal of the American Oriental Society*, Vol .52, No. 3: 201-207.

- Vermeule, C. 1970. Near Eastern, Greek, and Roman Gems: A Recent Gift to the Collections, *Boston Museum Bulletin*, Vol. 68, No. 353: 197-214.
- Wallenfels, R. 1994. *Uruk: Hellenistic Seal Impressions in the Yale Babylonian Collection I*. Cuneiform Tablets. Ausgrabungen in Uruk-Warka Endberichte 19 (Mainz am Rhein: Verlag Philipp von Zabern).
- Wallenfels, R. 1998. *Seleucid Archival Texts in the Harvard Semitic Museum*, T. Abusch, M. J. Celler, Th. P. J. Von Der Hout, S. M. Maul and F. A. M. Wiggermann (eds), Text Editions and Catalogue Raisonné of the Seal Impressions. Cuneiform Monographs 12 (Groningen: Styx Publications).
- Waterman, L. 1931. Preliminary Report upon the Excavation at Tel Umar, *Iraq*, Nos, 19, 21:5.
- Williams, M. F. 1928. The Collection of Western Asiatic Seals in the Haskell Oriental Museum, *American Journal of Semitic Languages and Literatures*, Vol. 44. No. 4: 232-253.
- Zettler, R. L. 1979. On the Chronological Range of Neo-Babylonian and Achaemenid Seals, *Journal of Near Eastern Studies*, Vol. 38, No. 4: 257-270.